

گنجینه

www.ketab.ir

به کوشش: دکتر محمدعلی فائق
نوشته: فریدون نوزاد

سرشناسه	نوزاد، فریدون، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	گنجینه / نوشته فریدون نوزاد؛ به کوشش محمدعلی فائق.
مشخصات نشر	رشت: پیام فرهنگ، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۶۴ ص. : مصورا، عکس
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۴-۰۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	نمایه.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	شاعران ایرانی - گیلان - - سرگذشتنامه
پیشانه افزوده	فائق، محمدعلی، ۱۳۰۳ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ گ.ک.ن/۹۷۸۴۶۴/PIR
رده بندی دیویی	۸۶۱/۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۰۲۰۸۴

انتشارات پیام فرهنگ

عنوان: گنجینه

تألیف: فریدون نوزاد - دکتر محمدعلی فائق

ناشر: پیام فرهنگ

حروفنگاری و صفحه آرایی: هنر و اندیشه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی: همراهان

چاپ و صحافی: توکل

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۴-۰۵-۶

همه حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

رشت، انتشارات پیام فرهنگ - صندوق پستی ۳۶۷۸-۳۱۶۳۵

تلفن: ۵۵۱۸۷۹۵ - ۰۱۳۱ همراه: ۷۱۸۵-۳۳۵-۰۹۱۱

فهرست مطالب

۱۳۴	 علی اکبر مرادیان گروسی	۵	 سخنی در انگیزه پدید آیی گنجینه
۱۳۷	 عطا - سیدحسین موسوی	۱۰	 نمایه سخنوران
۱۴۱	 منوچهر هدایتی خوشکلام	۱۲	 صبوری
۱۴۶	 اسداله مؤمن پورسورچانی	۱۸	 دانش
۱۵۳	 رحمت - عبدالعلی موسوی	۲۳	 عطار - حسین سمیعی (ادیب السلطنه)
۱۶۱	 حسن علی محمودی - سروش گیلانی	۲۷	 میرمنصور سیدحسینی
۱۶۷	 بهمن صالحی	۳۳	 وهاب زاده حدیدی
۱۷۷	 محمدمحمدی بندری	۳۵	 ابراهیم پور داود
۱۸۴	 سید صدرا روحانی رانکوهی	۴۱	 اسماعیل دهقان
۱۸۹	 بهروز وندادیان	۴۸	 محمودخان ژولیده
۱۹۴	 پویا - فرامرز انصاری	۵۱	 سامی - حسن سمیعی
۱۹۷	 ابراهیم شکری	۵۵	 عزیز
۲۰۲	 محسن آریاباد	۵۷	 محمد حسایی
۲۰۶	 خزر - سیدهاشم نبی زاده	۵۹	 بینا - رضا قربانی
۲۱۰	 غلامرضا مرادی صومعه سرائی	۶۲	 دکتر مجدالدین میرفخرایی - گلچین گیلانی
۲۱۵	 دکتر سیروس شمیس	۶۸	 مهکامه محمص
۲۱۹	 بانو طاهره عاصفی	۷۴	 علی اکبر دهبیم
۲۲۲	 جلیل واقع طلب	۷۶	 امان الله صوفی
۲۲۷	 طاهره شامی	۸۲	 دکتر ابراهیم جفرودی
۲۳۰	 محسن بافکر لیلانی	۸۷	 بانو اشرف مشکوتی
۲۳۵	 زهرا سیاوش آبکنار	۹۲	 دکتر عبدالعلی طاعتی
۲۳۸	 هوشنگ عباسی	۹۶	 اسحق شهنازی
۲۴۱	 محمد کاظم یوسف پور	۱۰۱	 شیدا - محمد بی ریا
۲۴۵	 حمیرا خدا بنده	۱۰۶	 شهیدی - عباس اخوان نقوی
۲۵۰	 نگار - ماریا گیلزاد	۱۰۹	 ناصرالدین موسوی
۲۵۸	 هیلدا احمدزاده	۱۱۳	 فریدون نوزاد
۲۵۹	 سیده زهرا حسینی دافجاهی	۱۱۸	 احمد علی دوست
۲۶۱	 غزل - مهسا مجدر	۱۲۳	 عیسی مسیحا
		۱۲۹	 کریم یمنی

سخن ناشر

کتاب گنجینه‌ای که پیش رو دارید نویسنده صاحب‌دل و گیلان‌شناس جناب آقای فریدون نوزاد و به خواسته جناب آقای دکتر محمدعلی فائق صاحب امتیاز (فصل‌نامه وزین گیلان ما و ره‌آوردگیل) آن را به رشته تحریر در آورده‌اند.

این کتاب قرار بود در شصتمین سال تاسیس فصل‌نامه گیلان ما چاپ و منتشر گردد. اما به علت دیر رسیدن شرح و حال نامداران گرامی کار دیروز به امروز افتاد. مصلحت در این بود که چاپ و نشر آن بهره این انتشارات گردد.

ناشر بر خود لازم می‌داند تا با انتشار زندگی‌نامه مشاهیر و مفاخر گیلان برگ‌های زرین بر کارنامه خود بیفزاید. مطالعه این کتاب ارزشمند و ماندگار را به دوستان فرهنگ گیلان توصیه می‌نمائیم و توفیق بیشتر همگان را آرزو مندیم.

انتشارات پیام فرهنگ

علی‌اکبر بازدید وحدتی

www.ketabonline.ir

سخنی در انگیزه پدید آیی گنجینه

بدین باورم تذکره نویسی را به گونه‌ای که همه صاحبان معرفت متن و محتوای آن را می‌شناسند از پدیده‌های ذوقی جامعه ایران و هدیه گردیده به جهان ادب و هنر شعر و شاعری است، کاری ارزنده و سترگ تا آیندگان را از یاد نرود که معرفت اندوختگانی بودند و آثاری پیشکش اهل زمان و آینده کرده‌اند، این پیشکشی، هم به غنا و فصاحت زبان پارسی افزود و هم بر انگیزانندگی موسیقائی را که در آن موج می‌زند تقویت نمود تا به پرواز روان و سیر در عالمی سرشار از احلام و روحانیت توانی بیشتر و تسریع افزون بخشد.

چنین می‌نماید که محمد عوفی بزرگوار مردی که اطلاعات چندانی از او نداریم و دانسته ما محدود به آن است که خود به اختصار به اختیار ما نهاده، و نسبت خانوادگی‌اش را به عبدالرحمن بن عوف، صحابی شناخته شده و یکی از اعضای شورای شش نفره برگزیده از طرف عمر برای جانشینی وی می‌رساند^۱، و این را هم می‌دانیم که او نویسنده دایره المعارف زمان خویش با نام جوامع الحکایات بود که به شمار کم نظیره‌هاست.

او نخستین کسی بود که در این تذکره نویسی پیشگامی نشان داد، به تجسس در احوال گویندگان پرداخت و آگاهی‌های فراچنگ آورده هر گوینده‌ای را با نمونه‌های شعری آنها در تذکره معتبر و ارزشمند لباب الالباب گردآورد و برای تا همیشه جهان به یادگار نهاد. و چه بسا عارف گرانقدر فریدالدین عطار نیشابوری به اندک زمانی پس از او تذکره الاولیاء را با ذکر حالات و سخنان عرفاء بنوشت، و البته امیر دولتشاه بن علاء الدوله بختیشاه سمرقندی گویا این هر دو تذکره را ندیده بود که بر آن است:

(آنچه مجهول مانده در عالم ذکر تاریخ و قصه شعرا است

جهت آن که علماء با وجود کمال و فضل بدین افسانه محقر قلم رنجه نکرده‌اند و سر همت فرو نیاورده‌اند و دیگران را اوقات مساعدت نکرده، بلکه بضاعت آن نداشته‌اند، القصه تاریخ و تذکره و حالات این طایفه را هیچ آفریده از فضلا ضبط ننموده‌اند، اگر رقمی بروجه صواب در این ابواب نموده آید، حقاً که بروجه صلاح خواهد بود.

این شکسته چون از خازن گنجینه معنی، این رموز اصفا نمودم، دانستم که این صید از قید صیادان این صنعت جسته و این در، به روی ارباب طلب بسته است، از آن چه شکسته بسته در مدت العمر دیده و از آن خوشه که از خرمن کرام چیده بودم از تواریخ معتبره و از دواوین استادان ماضی و اشعار متقدمین و متاخرین و از رسائل متفرقه و کتب سیر و غیر ذلک، تاریخ

و مقامات و حالات شعرای بزرگ که ذکر دواوین اشعار ایشان در اقالیم مشهور و مذکور است، جمع نمودم، از عهد اسلام الی یومنا هذا، و به تقریب شمه از تواریخ سلاطین بزرگ که شعرای نامدار به روزگار آن طایفه بوده‌اند در این تذکره به قلم آوردم...^۱ و خویشانش را نخستین تذکره نویس معرفی نموده است.

با توجه به این که لباب اللباب در ۶۱۸ و تذکره الشعراء دولتشاه در ۲۸ شوال ۸۹۲ هـ ق تالیف یافت نمی‌توان اولویت او را پذیرفت و چه بسا که دولتشاه را از چنین اثری خبری نبوده باشد.

پس از تذکره الشعراء تا به امروز ما با تذکره‌های فراوانی آشنایی داریم، اما هر چه به شماره اینگونه کتب افزود از کیفیت آن‌ها کاسته گردید، زندگی‌نامه شاعر خلاصه تر گشت تا جایی که به جملات: آگاهی چندانی از او در دست نیست، شاعری بوده است در فلان جای می‌زیست، گویند دیوانی از وی بجا مانده (یا نمانده) است، و بالاخره: این بیت تیمنا از او به ثبت می‌آید، بسنده شد، شرح حال‌ها به چنین سرنوشتی دچار آمده‌اند، در حالی که می‌باید هر چه بیشتر در نوشتن زندگی‌نامه کرامت به کار رود، و به رویدادها که اثرگذار در افکار و آثار شاعر است توجه گردد، اثرات وارده در بیان و کلام مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، و یا تاثیرات گفتار و پندار شاعر بر جامعه بررسی شود، و در نقد مفهوم و محتوای شعر امساک و نسیان به کار نرود و حتی در انگیزه سرایش ستایش‌ها و نکوهش‌ها بی‌جویی لازم به عمل آید و در درستی و نادرستی آن نکته بینی به کار رود، به معاش و معاشرت‌ها دقت شود و به مصداق...

تو اول بگو با کی یان دوستی
سپس من بگویم که تو کیستی
دست یافته شود، شاعر به گونه‌ای معلم است و آثار او کتاب، مباد که این معلم ناباب درآید و آن کتاب راهنمای کج راهگی شود، متأسفانه من چنین بررسی را در هیچ تذکره نیافتم، هم چنان که خود با همه عشق به انجام این کار توفیق نیافتم، در تذکره (چل تکه) که از آغاز تا پایان به زبان گیلکی نگاشته گردید و به اهتمام آقای محمدحسین خدایاری به چاپ و نشر رسید گامی برداشتم ولی نه بدانگونه که دلم می‌خواست و بر آن شدم گامی دیگر در تذکره (گنجینه) بردارم که باز هم این پیروزی فرا چنگ نیامد و نتوانستم به آرزویم دست یابم، خود عوفی هم با کوشش بسیار فراوانی که کرده نخواست است از اثری به موثر ببرد، مثلاً در مورد قطب الدین سرخسی ارائه نمونه شعری وی می‌نویسد:

(... و من در خدمت او تحصیل‌ها کرده‌ام، وقتی از سمرقند نامه نوشته بود به نزدیک خواجه امام ناصرالدین پسر خود، این دو بیت را آنجا دیدم...
در غمت ای ناصر، ای دو دیده روشن
مردم چشمم، بسان مردم آبی است)

دل که ز غم هات، مست بود، خراب است عاقبت مستی ای دو دیده خرابی است)^۱

و این نشان می‌دهد عوفی شعری از او به اختیار نداشته و حالا چرا خواسته است وی را به شمار شعرا درآورد نامعلوم است در حالی که وی به درستی می‌دانست مردم ایران ذاتاً شاعرند و کمتر کسی است در طول عمر شعری ولو یک مصراع هم نسروده باشد، و با این آگاهی نه هر سراینده‌ای را می‌توان شاعر شناخت و نه هر سروده‌ای را شعر دانست، شعر را اسلوب و روش معینی است، قواعدی دارد و قراردادهائی باید رعایت گردد، شعر کلام فخیم است در قابی گرانقیمت، به روشنفکر نمایی نباید اعتنا کرد و هر ناسنجیده‌ای را شعر تلقی نمود، و این بحثی دیگر می‌باشد و جایی شایسته تر می‌طلبد.

اما چرا تذکره نویسی بجای پیشرفت، نتوانست گامی بلند به کمال بردارد و آن بشود که باید می‌شد نیز سخنی به درازاست، که به کوتاهی به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- تذکره نویسان به هر حال مبعوض شعرایند، شاعر به همان نسبتی که تذکره نویس را برای معرفی خویش دوست دارد و وی را مروج افکار و اندیشه‌ها و معرف خود می‌شناسد، حداقل به همان نسبت از اینکه چرا به تعریف و توصیف شعر وی نپرداخته و در ثبت سروده‌هایش رعایت اختصار و حتی تمایل فردی را در نظر گرفته آن را مه و این را که قلمداد نموده و برخی مباحث دیگر دشمن می‌داند.

۲- صلاحیت تذکره نویس را شاعر باور ندارد یا مجذوب و عاشقش می‌شناسد، یا کم اطلاع و کین توز، همیشه بر آن است که در تذکره‌اش رعایت لازم صورت نگرفته اشعارش کمتر به ثبت آمده و در احوالش فلان رویداد مورد توجه قرار نگرفته و سهل انگاری‌هایی شده است.

۳- شاعر اساساً قضاوت تذکره نویس را پذیران نیست و او را همواره در سه

دانش می‌انگارد. و این خود از آسیب‌های قابل توجه است.

۴- تذکره نویس هیچ گاه به متن دیوان تمامی شعرای مورد نظر دسترسی نداشته و نمی‌تواند داشته باشد تا پس از مطالعه دقیق به آنچه می‌خواهد و بکار می‌آید اشراف یابد و واقعیات را بنویسد، و مسلماً با چند نمونه شعری و گاه یک یا دو بیت مطالعه افکار و اندیشه و شناخت افراد میسر نبوده و نمی‌تواند باشد.

۵- پایگاه، محیط و زمان، زن و زندگی، شکوفایی یا پژمردگی‌ها، برخوردهای اجتماعی و خلیقات شاعر با بسیاری از مشخصه‌های دیگر زندگی ساز است و باید مورد مطالعه و زیر ذره بین قرار گیرد، که این هم از موارد بسیار شاق می‌باشد و تقریباً غیرمقدور، و نمی‌گذارد تذکره نویس حقیقت نگری‌های لازم را به کار برد.

۶- متأسفانه برخی از سرایندگان حق انتخاب شعر و بررسی و نقد را از تذکره نویس سلب می‌نمایند، بگذریم از این که با چنین روش غیرمنطقی عملاً به خود بزرگ نمایی می‌پردازند، می‌کوشند هم روش تذکره نویسی را منحرف کنند و هم نویسنده را آلت فعل سازند که این دیگر غیرقابل تحمل است و بدا به روزگار و نفرین به قلم چنین نویسنده باد.

البته ویراستار و ویراستاری از این مباحث جدا و کاری شایسته تقدیر است. به هر حال، همه آنچه گفته آمد و مسایلی دیگر که در درجه دوم اهمیت قرار دارد آسیب پذیری تذکره نویسی را موجب شده با آنچه که باید در اختیار جامعه قراز گیرد اندک اندک فاصله یافت و من با آگاهی از این نواقص خواستم تحولی به وجود آورم، دو گامی برداشتم ولی اذعان دارم آنی نیست که می‌خواستم و به پیروزی مورد نظر دست نیافتم، چون در نخست به دفاتر شعری شعرای معرفی شده در گذشته دست نداشتیم (جز دو سه تن از سرایندگان متاخر) در دوم شناخت شعر و شاعر مهارتی ویژه می‌طلبید که آن هم به عللی صورت پذیرفت در سوم گزینش شعرای معرفی شده جز بیست و دو تن بیشتر به اختیار من نبود، این کتاب اگر چه به قلم من است ولی بدون هیچ گفت و گو به کوشش و همت بی دریغ و حتی سرمایه فاضل مرد و عاشق آقای دکتر محمدعلی فائق تهیه گردید.

حقیقت این بود که می‌خواستیم هدیه جشن شصتمین سال نشریات گیلان ما کتابی به یادگار تقدیم حضار محترم گردد تا سال‌های سال بماند و این رویداد بزرگ فرهنگی را در خاطرها زنده نگاه بدارد، پس از رایزنی‌ها گفتیم چه بهتر که این هدیه معرفی سخن پردازان جامعه گیلک باشد، معرفی صاحب نظرانی که حرف‌هایی برای گفتن دارند، برای رسیدن به این هدف جناب دکتر فائق که سال‌های ثمربخشی از عمر گرانمایه را مصروف ادب و ادب پروری و انتشار هفته‌نامه، فصل‌نامه گرانقدر گیلان ما، دو فصل‌نامه ره‌آورد گیل نموده است به گروه انبوهی از سخنسرایان گیلک چه در منطقه چه پراکنده در ایران و خارج از کشور نامه نوشت و درخواست شرح حال و نمونه اشعار نمود متأسفانه جز شمار اندکی تا زمان محنت اجابت دعوت نفرمودند، به ناگزیر به تهیه ویژه‌نامه (گیلان ما ۶۰ ساله شد) پرداختیم، در این فاصله گهگاه شرح حالی می‌رسید و پرسشی در مورد کتاب می‌شد از این رو دکتر فائق برای آن که بتواند محبت سی و چندتن از این بزرگواران را سپاس گوی باشد، مسئولیت فراهم آمدن تذکره‌ای را با توجه به سخن پسین به کمترین واگذار فرمودند و چنین بود سرنوشت پدیدار شدن گنجینه، به هر حال چه آنهایی که خود را مقید به پاسخ دانسته‌اند و چه این تقید را نپذیرفته‌اند منتی نهاده‌اند، باشد که این وجیزه گوشه‌ای از مهرشان را پاسخگو می‌باشد. ایدون باد.

فریدون نوزاد

نمایه سخنوران

زایش	نام خانوادگی - نام	تخلص	تخلص
۱۲۲۸	مدیرالاطبایا - سیدباقر	صبوری	۱
۱۲۲۸	حسام الاسلام - شیخ حسن	دانش	۲
۱۲۵۲	ادیب السلطنه سمیمی - حسین	عطا	۳
۱۲۵۹	میرحسینی - میرمنصور	هدی	۴
۱۲۶۳	وهاب زاده - محمدتقی	حدیدی	۵
۱۲۶۴	پورداد - ابراهیم	پور	۶
۱۲۶۶/۱/۵	دهقان - حاج اسماعیل	دهقان	۷
۱۲۷۱	زولیده - محمودخان	زولیده	۸
۱۲۸۰	سمیمی - حسن	سامی	۹
۱۲۸۵	موسوی - سیدمحمدرضا	عزیز	۱۰
۱۲۸۵	حسابی - محمد صیقلانی	حسابی	۱۱
۱۲۸۷/۲/۸	قربانی - رضا	بینا	۱۲
۱۲۹۰	میرفخرایی - دکتر مجدالدین	گلچین	۱۳
۱۲۹۰	محض - سرورالدوله	مهکامه	۱۴
۱۲۹۱/۱۱/۲۳	محض - علی اکبر	دیهم	۱۵
۱۲۹۵	صوفی - دکتر امان الله خان	صوفی	۱۶
۱۲۹۶	جفرودی - دکتر ابراهیم	طیب	۱۷
	مشکونی - بانو اشرف	اشرف	۱۸
۱۲۹۷	طاعتی - دکتر عبدالعلی	طاعتی	۱۹
۱۲۹۷	شهنازی - سرهنگ اسحاق	شهنازی	۲۰
۱۲۹۸	بی ریای گیلانی - محمد	شیدا	۲۱
۱۳۰۱	اخوان تقوی - عباس	شهدی	۲۲
۱۳۰۱	موسوی - ناصرالدین	ناصر	۲۳
۱۳۰۱/۱۱/۶	نوزاد - فریدون	نوزاد	۲۴